امیر دژاکام از پدیده «تئاتر لاکچری» می‌گوید

اشرافی کردن تئاتر یک نوع آپارتاید است

۱۲

«جولین آسانژ» مدیر سایت افشاگر «ویکی لیکس» از زندانی در لندن به بیمارستان منتقل شد

فشردن گلوی «آزادی» با دستان «دموکراسی»

محمد تربت زاده | گزارش نوشتن از «جولین آسانژ» بهانه نمی‌خواهد! مدیر وب‌سایت جنجالی «ویکی لیکس» بودن، هفت سال زندگی در سفارتخانه اکوادور، سال‌ها تحت تعقیب دولت سوئد بودن و افشاگری‌های پی‌درپی علیه دولت آمریکا، هرکدام به تنهایی می‌تواند سوژه‌ای تر و تازه برای نوشتن از روزنامه‌نگار و هکر استرالیایی‌تبار باشد. پس گزارش امروز را زیاد به حساب دستگیری آسانژ در ماه گذشته، خاتمه دادن به اقامت هفت ساله‌اش در سفارت اکوادور و انتقالش به زندان فوق امنیتی «بلمارش» لندن، نگذارید. حتی حال جسمانی وخیم آسانژ که روز گذشته موجب انتقال او به بیمارستان شد هم نقطه عطفی در زندگی آسانژ به حساب نمی‌آید که بخواهد سوژه گزارش نوشتن شود. منظور اینکه زندگی آسانژ آن‌قدر فراز و نشیب دارد که انتقالش به بیمارستان در مقابل آن همه اتفاق‌ها، مثل کاهی می‌ماند در مقابل یک کوه!

نقطه آغاز

برای شناختن «جولین آسانژ» پیش از هر چیز باید وب‌سایت افشاگر «ویکی لیکس» را بشناسید. ویکی لیکس برخلاف اسمش هیچ صنمی با «ویکی پدیا» و «ویکی»های دیگر ندارد و کار اصلی‌اش افشاگری علیه دولت‌هاست. فرقی هم نمی‌کند کدام دولت در کدام نقطه جهان باشد؛ ویکی لیکس و کارمندانش از طریق نفوذشان در دستگاه‌های دولتی کشورها، تخلفات آن‌ها را کشف کرده و پس از افشای گسترده این تخلفات، دولت مورد نظر را حسابی توی دردسر می‌اندازند.

وب‌سایت ویکی لیکس سال ۲۰۰۶ برای نخستین بار روی بستر اینترنت قرار گرفت و همان سال نخستین گزارش افشاگرانه‌اش از فساد در «کنیا» را منتشر کرد. این گزارش به قدری در فضای رسانه‌ای دنیا سروصدا به پا کرد که نام ویکی لیکس و مؤسس آن «جولین آسانژ» در چشم برهم زدنی تیتر یک بسیاری از رسانه‌های بزرگ دنیا از جمله «گاردین» و «آسوشیتد پرس» شد.

بزرگ‌ترین درز اطلاعات در تاریخ آمریکا

ویکی لیکس سال ۲۰۰۷ با انتشار گزارشی درباره زندان «گوانتانامو» برای نخستین بار با دولت آمریکا درافتاد. آن موقع شاید هیچ‌کس احتمال نمی‌داد ویکی لیکس و آسانژ قرار است در سال‌های آینده پا را از افشاگری‌های معمولی رسانه‌ای فراتر بگذارند و با گزارش‌های افشاگرانه‌شان از عملکرد دولت آمریکا در افغانستان و عراق، دنیا را تکان دهند!

نام ویکی لیکس تا سال ۲۰۱۰ با افشاگری‌های متعدد در گوشه‌وکنار دنیا بارها سر زبان‌ها افتاد، اما عمده شهرتش برمی‌گردد به سال ۲۰۱۰ و ماجرای بزرگ‌ترین درز اطلاعات طبقه‌بندی شده در تاریخ آمریکا! در آن سال وب‌سایت ویکی لیکس چیزی در حدود ۹۲ هزار سند محرمانه ارتش و دولت آمریکا درباره حضور نظامیان این کشور در افغانستان را منتشر کرد. علاوه بر آن، فیلمی در این وب‌سایت بارگذاری شد که نشان می‌داد خبرنگاران، کودکان و غیرنظامیان توسط بالگرد ارتش آمریکا به گلوله بسته می‌شوند. اگرچه خلبان بالگرد بعدها مدعی شد دوربین‌های خبرنگاران را با اسلحه اشتباه گرفته، اما افکار عمومی هیچ وقت این ادعا را قبول نکرد. نام ویکی لیکس در ماجرای این افشاگری آن‌قدر گل کرد که بنا بر اعلام «گوگل»، واژه «ویکی لیکس» تنها یک هفته پس از این افشاگری، بالاترین روند رشد جست‌وجو را در جهان داشت.

کمی تا قسمتی مشکوک!

«افغانستان» پایان افشاگری‌های ضد آمریکایی ویکی لیکس نبود و سال بعد هزاران سند محرمانه دیگر از حضور نظامیان آمریکا در عراق توسط این وب‌سایت منتشر شد. البته فقط آمریکایی‌ها نیستند که قربانی افشاگری‌های ویکی لیکس و آسانژ شده‌اند. در اسناد ادعایی ویکی لیکس همه چیز پیدا می‌شود! از نخستین اسناد منتشر شده درباره جنگ افغانستان و فساد در کنیا بگیرید تا اسناد فساد در دولت آلمان، گاوبندی دیپلمات‌های برزیلی با مقام‌های آمریکایی، جاسوسی در ژاپن، اسنادی درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران و... .

آسانژ مدعی است ویکی لیکس و تشکیلاتش، سازمانی بین‌المللی، آنلاین و غیرانتفاعی محسوب می‌شوند که اطلاعات محرمانه را از منابع ناشناس دریافت کرده و در راستای جریان آزاد اطلاعات آن‌ها را منتشر می‌کنند. ادعای آسانژ تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد، اما در برخی موارد مثل افشای اسناد فوق‌محرمانه حضور نظامیان آمریکایی در عراق، هیچ جوره نمی‌شود ادعای آسانژ مبنی بر اینکه یک سرباز ساده آمریکایی، اسناد فوق‌محرمانه را در اختیار ویکی‌لیکس قرار داده است را باور کرد! همان‌طور که نمی‌شود باور کرد باوجود بلاک شدن سرورهای وب‌سایت ویکی لیکس توسط بیشتر کشورهای دنیا و شرکت‌های اینترنتی، این سرورها توسط دولت‌ها یا جریان‌های خاصی در گوشه و کنار دنیا محافظت نمی‌شوند.

خرابکارهای بین‌المللی

صاحب این تشکیلات پرحاشیه و تقریباً مشکوک، کسی نمی‌تواند باشد جز جولین آسانژِ عجیب و غریب! آسانژِ ۴۸ ساله در شهر «تاونزویل» استرالیا به دنیا آمد و شاید همان موقع نافش را با در به دری و حاشیه‌سازی بریدند، چون از بدو تولد درگیر سفرهای پی‌درپی والدینش شد و به گفته خودش در پایان دوران نوجوانی در بیش از ۵۰ شهر زندگی کرده و در ۳۷ مدرسه درس خوانده است! حاشیه‌سازی‌هایش هم از ۱۶ سالگی شروع شد که با تشکیل یک گروه دوستانه به نام «خرابکارهای بین‌المللی» متشکل از خودش و هکر دیگر، شروع به هک کردن تشکیلات الکترونیکی شرکت‌های مختلف کرد. چهار سال طول کشید تا پلیس فدرال استرالیا رد خرابکارهای بین‌المللی را بزند و آسانژ و رفقایش را هنگام نفوذ به سیستم امنیتی یک شرکت مخابراتی کانادایی به نام «ملبورن نورتل» دستگیر کند. سه سال بعد آسانژ با پرداخت ۲۱۰۰ دلار جریمه و به لطف کودکی پر تلاطمش از زندان آزاد شد. قاضی پرونده خرابکارهای بین‌المللی درباره آسانژ گفته بود: «هیچ شواهدی جز کنجکاوی هوشمندانه و لذت از توانایی ورود به این کامپیوترها وجود ندارد و اگر آسانژ کودکی نابسامانی نداشت، باید ۱۰ سال به زندان می‌رفت».

هکر یا روزنامه نگار؟

آسانژ تحصیلات درست و حسابی‌ای هم ندارد! اگرچه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ در دانشگاه‌های ملبورن و کانبرا در رشته‌های مختلفی چون فیزیک، ریاضی محض، فلسفه و عصب‌شناسی تحصیل کرده، اما از هیچ رشته‌ای دانش‌آموخته نشده است. دلیل این موضوع را هم به ادعای خودش باید در خلق و خوی ضداجتماع، ضدسیستم و به قول آن‌طرفی‌ها «آنارشیستی»اش جست‌وجو کنیم. آسانژ می‌گوید «چون سایر دانش‌آموزان خودشان را فروخته بودند و با پروژه‌های نظامی دولتی همکاری داشتند، تحصیل را رها کرده است!»

با وجود این، آسانژ ادعا می‌کند بیشتر از اینکه یک بی‌سواد یا یک هکر باشد، روزنامه‌نگار است. آسانژ در این باره می‌گوید: «چون من همراه با یک نفر دیگر کتابی درباره هکر بودن نوشتیم، فیلم‌های مستندی درباره‌اش به وجود آمد و همه در این باره سخن گفتند. اما این مربوط به ۲۰ سال پیش بود. بسیار آزاردهنده است که مقالات امروز مرا هکر کامپیوتر می‌نامند. از ۲۵ سالگی سرگرم انتشار مطالبی بر پایه واقعیت بوده‌ام و نیازی به گفت‌وشنود درباره روزنامه‌نگار بودن یا نبودنم نیست».

داستانِ پناهندگی

آسانژ از سال ۲۰۱۰ و پیش از افشای اسناد محرمانه ارتش آمریکا، براساس قانون ضد جاسوسی این کشور تحت تعقیب قرار گرفت. آسانژ دو سال درگیر پرونده‌های مختلفی بود که دادگاه‌های آمریکا علیه او به جریان انداخته بودند، اما با وجود فرار از اتهامات دادگاه‌های آمریکایی، ناگهان با اتهام آزار جنسی دو زن در کشور سوئد مواجه شد! آسانژ شاید زیاد ماجرای اتهام‌های جنسی‌اش را جدی نگرفت، اما پس از صدور حکم بازگشتش به سوئد برای بازجویی، بلافاصله به سفارت «اکوادور» در لندن رفت و از این کشور تقاضای پناهندگی کرد! اتهام آزار جنسی چیزی نبود که آسانژ به خاطر آن به سفارت اکوادور پناهنده شود، اما برای او مثل روز روشن بود که اتهام جنسی بهانه‌ای است برای بازگشتش به آمریکا. چند ماه طول کشید تا رئیس جمهور اکوادور درخواست پناهندگی آسانژ را تأیید کند، اما مدیر وب‌سایت ویکی لیکس در این مدت پایش را از سفارتخانه این کشور بیرون نگذاشت!

دست‌های دموکراسی...

آسانژ روزی که پایش را در سفارت اکوادور می‌گذاشت روحش هم خبر نداشت اقامتش در این سفارتخانه هفت سال به طول می‌انجامد و انگلیس برای دستگیری‌اش چند میلیون دلار هزینه می‌کند تا یک ایستگاه مجهز امنیتی در مقابل سفارتخانه اکوادور بنا کند و به مأموران دستور می‌دهد ۲۴ ساعته کشیک دهند و به محض خروج آسانژ از سفارتخانه، او را با دست‌های بسته تحویل مقام‌های سوئد دهند! آسانژ برای جلوگیری از خطر هیچ‌وقت پایش را از سفارتخانه بیرون نگذاشت، اما چند ماه پیش اکوادور پناهندگی او را لغو کرد تا یک روز مأموران امنیتی انگلیس مثل مور و ملخ به سفارتخانه اکوادور بریزند و آسانژ را به زندان فوق امنیتی «بلمارش» لندن منتقل کنند. چهره آسانژ هنگام دستگیری آن‌قدر شکسته شده بود که خیلی‌ها او را نشناختند! دادگاه انگلیس چند روز پس از دستگیری، او را به ۵۰ هفته حبس محکوم کرد و روز گذشته آسانژ به دلیل وخامت اوضاع جسمانی به بیمارستان منتقل شد. سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری بازداشت آسانژ را غیرقانونی اعلام کرده‌اند، اما مقام‌های انگلیسی زیربار نمی‌روند و می‌گویند پس از پایان دوران ۵۰ هفته‌ای محکومیت، آسانژ را به آمریکا می‌فرستند تا محاکمه شود. در ماجرای ویکی لیکس و آسانژ حتی اگر پای جریان‌های خاصی هم درمیان باشد باز حق با ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه است که می‌گوید: «در این ماجرا دست دموکراسی در حال فشردن گلوی آزادی است».

فوری فوتی

قاتلی باکلاس و کلانتری وی آی پی!

فؤاد آگاه : خبر غیر فوری: قاتل «میترا استاد» افزود: «دعوای دو، سه روز اخیرمان بالا گرفت... عصبانی شدم... اسلحه را برداشتم... می‌خواستم همسرم را بترسانم... اما او هول شد... با من گلاویز شد و خودش را روی من انداخت که این اتفاق افتاد...».

خبرفوری: بینندگان عزیز... اسلحه‌ای که هم اینک به دست من رسید... ببخشید... اسلحه‌ای که الان توی دست من قرار گرفته همون اسلحه‌ای هست که مقتول با اون به قتل رسیده... قاتل هم همین آقاهه است که پشت سر من، بعد از خوش و بش، داره چای می‌خوره...اسلحه کاملاً واقعیه... این هم فشنگاش... یک... دو...سه... بعله... معلومه قاتل پنج گلوله شلیک کرده... .

تحلیل غیر فوری: کارشناسان معتقدند قاتل‌ها درهر حالتی باید مراقب اسلحه خودشان و حتی اسلحه دیگران باشند. پس از قتل آن را با فشنگ، اینجا و آنجا رها نکرده و به هرکسی تحویلش ندهند. وگرنه یک خبرنگار عصبانی ممکن است از راه برسد، اسلحه آن‌ها را بردارد و بعد بخواهد مخاطبان اخبار را غافلگیر کند یا بترساند... سپس ممکن است مخاطبان، فیلمبردار، دستیار و... هول شوند و خدای ناکرده خودشان را بیندازند روی اسلحه و بشود آنچه نباید بشود!

تحلیل فوری: کارشناسان می‌گویند «قاتل» در هر حال قاتل است و قانون، قاتل باکلاس و قاتل بی کلاس ندارد. اگر برخی قاتل‌ها با پای خودشان به کلانتری رفته و تسلیم می‌شوند، ربطی به ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها و یا ویژگی‌های روحی و روانی مقتولشان ندارد، بلکه به شناخت قاتل از کلانتری‌ها و ویژگی‌های رفتاری مأموران ربط دارد! کارشناسان می‌افزایند البته کلانتری‌ها انواع مختلف ندارند و فیلم‌های پخش شده از نوع رفتار با قاتل سبب نشود مخاطبان فکر کنند کلانتری‌ها به انواع کلانتری با «وی آی پی» و بدون «وی آی پی» تقسیم می‌شوند!

شاهد عینی-قسمت سیزدهم

تک‌نگاری‌های علی‌نور آبادی از سفر به «معمولان»

یافتنی‌های ساحل

چند دقیقه یا چند متری که در ساحل رودخانه قدم می‌زدی، لابه‌لای گل و لای و ماسه‌ها همه چیز به چشمت می‌خورد: بالش، انواع لباس، عروسک، ظروف آشپزخانه، بسته نخود و لوبیا و ده‌ها چیز دیگر. از جمله چیزهایی که در ساحل پیدا کردم، دو کیسه برنج، پر از کتاب بود. کتاب‌ها خیس و به هم چسبیده بودند. چند سررسید و دفتر که متن‌های درسی در آن‌ها نوشته شده بود و تعدادی کتاب درسی. بیشترشان البته کتاب‌های غیردرسی بود: نامه‌های سرگردان (کارو)، زندگینامه مشهورترین شاعران ایران، شعر زمان ۳ (سهراب سپهری)، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر (سارتر)، شیوه سنتورنوازی (کامکار)، سفیدپوستان احمق (مایکل مور)، هری پاتر ۲ (فرمان ققنوس) و... کتاب‌ها را از کیسه درآوردم روی دیوار فروریخته خانه‌ای چیدم و عکس گرفتم. دو، سه تا را هم که سالم‌تر بود با خودم آوردم. دم دمای غروب، گاهی اهالی می‌آمدند و چند دقیقه به رودخانه گل‌آلود خیره می‌شدند و می‌رفتند. حسرت و حیرت در چشم‌ها و صورتشان موج می‌زد. حسرت از دست دادن دار و ندار زندگی و حیرت از طغیان ناگهانی رودخانه‌ای که سال‌های سال همدم و همرازشان بود. رودخانه‌ای که حالا آرام و بی‌آزار در بسترش جاری بود.اهالی، غرق تفکر و یا بهتر است بگویم غرق تحیر بودند. شاید مهم‌ترین پرسشی که در ذهنشان خطور می‌کرد این بود: چرا چنین شد؟ چرا ما؟ از جمله آن‌ها، مرد میانسالی بود که با دو عصای زیر بغل به زحمت راه می‌رفت. سیگاری روی لبش بود. با چه سختی و مشقتی از گل‌ولای کوچه گذشت و وارد بخش ماسه‌ای لب رودخانه شد. دو، سه قدم جلو رفت، نفسی تازه کرد و ایستاد. چند دقیقه به جریان آب و موج‌های ریزش خیره شد. آخرین پک را عمیق‌تر زد، ته سیگارش را توی آب گل‌آلود پرت کرد و با همان مشقت برگشت. با دیدنش، همه چیز یادم رفت و فقط به او خیره شده بودم. بارها دیدم که اهالی می‌آمدند و برخی لوازمشان را که دیگر نمی‌شد شست و استفاده کرد با دست خودشان به کنار رودخانه پرتاب می‌کردند. این صحنه یکی از دردناک‌ترین صحنه‌هایی بود که در این سفر دیدم.

روزمره نگاری

اندازه سخاوتتان خیرات کنید

رقیه توسلی: زرشک پلو با مرغ... شکم پُر با آلو... کباب کوبیده... شله زرد... قیمه پلو... آش رشته عمه سوسن پَز. نشسته‌ایم به انتخاب. قصدمان خیرات است. از آنجا که می‌گویند برای سفر کرده‌تان آنچه را تهیه کنید که خوردنش را دوست می‌داشته، جمع در حال رسیدن به آن نقطه مشترک‌اند. آن اسمی که بین همین ۶ غذاست. به من که باشد تَه‌چین و قُرمه می‌پزم. از بس که آقاجان از دیدنشان کیف می‌کرد و رویشان اسم مستعار هم گذاشته بود. به تَه‌چین می‌گفت «نازجان» و قُرمه را هم «جناب مهندس» صدا می‌کرد. بعد از یک ساعت همهمه، نتیجه آن می‌شود که ببینم آرای کدام غذا از بقیه بیشتر است. مرغ شکم پر با آلو و آش رشته عمه خانوم، هم اندازه رأی می‌آورند که دوراهی را رد کرده، مرغ شکم پر با آلو تصویب می‌شود تا عمه سوسن به زحمت نیفتد. «گل ترمه» عکس آش‌خوران سیزده‌به‌در سال گذشته را می‌آورد و بابابزرگش را نشان می‌دهد. «آفرینش» حرفِ ظرف‌هایی را پیش می‌کشد که آن روز نوه‌ها با پدربزرگشان شستند. من هم از دست و دلی می‌گویم که دیگر نمی‌رود «نازجان» بار بگذارد. گرم بغض و آهیم که آیفون می‌خورد.عمه سوسن جان انگار برای برادرش یک دیگ آش خیرات کرده. از همان بزرگ‌ها، پنج منه‌ها. همان‌ها که آقاجان می‌گفت اندازه سخاوتتان نه اندازه جیبتان خرجِ اموات کنید!

پایان نوشت: تَه تَه‌های سینه‌ام کسی دلش می‌خواهد یک بار دیگر میزی بچیند از برنج طارم و سالاد شیرازی و «جناب مهندس». آن‌وقت در خانه فقط تو باشی و من و پنجره‌ای که گیج شود، بهار اندرون است یا بیرون؟

ورزش

علی کریمی در گفت و گو با قدس با اشاره به موفقیت‌های سه فصل اخیر پرسپولیس:

هیچ دلیلی برای تغییر برانکو وجود ندارد

لاجوردی‌ها، نخستین قربانی شاگردان کولاکوویچ

چین به دیوار بلند ایران رسید!

تیم ملی والیبال با پیروزی سه بر یک مقابل ایتالیا، امروز در دومین دیدار خود به دیدار چین، میزبان هفته اول لیگ ملت‌ها می‌رود. دیروز و در شروع این بازی‌ها به همان میزان که لاجوردی پوشان ایتالیا دچار تغییرات شده بودند، تیم ایران با ترکیب همیشگی خود به میدان رفت تا هماهنگی بیشتر میان بازیکنان ایران دیده شود. کولاکوویچ، سرمربی تیم ملی والیبال ایران در بازی نخست از همان ترکیب آشنای همیشگی شامل سعید معروف، امیرغفور، میلادعبادی‌پور، جواد معنوی‌نژاد، محمد موسوی، علی شفیعی و محمدرضا حضرت‌پور (لیبرو) استفاده کرد. ایرانی‌ها که به دلایل مشکلات متعدد نتوانستند پیش از آغاز این تورنمنت اردوی تدارکاتی داشته باشند، در ست اول بازی را به حریف اروپایی خود واگذار اما در ادامه برتری خود را به تیم جوان ایتالیا دیکته کردند تا نخستین پیروزی خود را در چین جشن بگیرند. ایگور کولاکوویچ با اظهار خشنودی از ...

امشب تقابل لیورپول و تاتنهام در مادرید

انتظار برای اشک‌ها و لبخندها در فینال اروپا

مجازآباد

نحو القدس

کاربران فضای مجازی به مناسبت روز قدس، هشتگ‌های مختلفی از جمله #نه_به_معامله_قرن و #نحو_القدس را در توییتر داغ کردند. یکی از کاربران فضای مجازی با انتشار تصویری از دانشجویان خارجی در مسجد گوهرشاد، در توییتر نوشت: «فقط ایران از نابودی اسرائیل نمی‌گوید. تمام مردم آزاده دنیا خواستار نابودی اسرائیل هستند. از جمله دانشجویان کشورهای مختلف که در مسجد گوهرشاد معتکف هستند. این دانشجویان با ملیت‌های مختلف در حیاط مسجد فریاد مرگ بر اسرائیل سر دادند».

صفحه حوادث را نگاه کنید!

آناهیتا شیرودی فرزند شهید شیرودی با کنایه به صحبت‌های رئیس جمهور مبنی بر نظرسنجی از روی چهره مردم، در توییتر نوشت:«شخصی گفته من به چهره آدم‌ها نگاه می‌کنم و متوجه وضعیت جامعه میشم! جناب به چهره آدم‌ها نگاه نکنید؛ شما در بالای شهر هستید! چهره آدم‌ها در بالای شهر وضع دلشان را نشان نمی‌دهد گرچه حال آن‌ها هم خوب نیست! شما به صفحه حوادث نگاه کنید تا عمق فاجعه‌ای که به وجود آورده‌اید را درک کنید»!

گلایه از بی‌مهری‌ها

شیلا خداداد، بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود، از بی‌توجهی اهالی هنر به صدیقه کیانفر، هنرمند کشورمان گلایه کرد. شیلا خداداد در اینستاگرام نوشت: «بانوی پیشکسوت سینما و تلویزیون ایران، با شنیدن صدای شما قلبم به درد اومد، ناراحت نباشین از اینکه بیکارین، تمام اهالی سینما و تلویزیون به جز تعداد اندکی همه بیکارند... تعادل نیست، تساوی نیست، انسانیت نیست، انصاف نیست، احساس نیست، احترام نیست و دیگه پیشکسوتی نیست. متأسفم که آن قدر زود فراموش می‌کنیم. سرنوشت همه ما مثل شماست».

۴۰ سال دوندگی

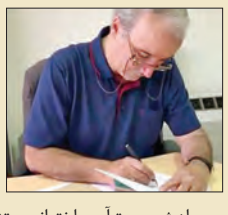

میکائیل دیانی - روزنامه نگار- با انتشار تصویری از دیدارش با «مرتضی سرهنگی» در اینستاگرام نوشت: «هر وقت می‌بینمشون حالم خوب میشه؛ ۴۰ سال در جبهه فرهنگی انقلاب بدوی و باز با نشاط و سرزنده باشی و بگویی: «خیلی عقبیم؛ خیلی اتفاقات و حوادث حیرت‌آور را نتوانسته‌ایم برای مردم روایت کنیم؛ کتابش را در آوریم و فیلمش را بسازیم» استاد مرتضی سرهنگی هنوز با نشاط و پرتوان برای ادبیات انقلاب کار می‌کند و همصحبتی‌اش انرژی می‌دهد تا ما هم در مسیر انقلاب تلاش کنیم».

فرصت کم استقلال برای پرداخت طلب پرویچ

ورزش: باشگاه استقلال ۲۲ اردیبهشت نامه‌ای را از فیفا برای پرداخت مطالبات پرویچ دریافت کرد که در این نامه ذکر شده که این باشگاه باید مطالبات ۳۶۰ هزار دلاری این بازیکن به علاوه جریمه دیر کرد که در مجموع ۴۰۰ هزار دلار می‌شود را به حساب این بازیکن پرداخت کند. اگر این رقم پرداخت نشود استقلال از دو پنجره نقل و انتقالاتی محروم می‌شود، یعنی این باشگاه فقط ۴۴ روز برای پرداخت طلب بازیکن سابق خود فرصت دارد. این بازیکن زمان پرویچ مظلومی به استقلال آورده شد و به دلیل کیفیت پایین و عملکرد ضعیف در دوره علیرضا منصوریان در لیست مازاد قرار گرفت.

برانکو: تراکتورسازی را فراموش کنید!

ورزش: در چند روز گذشته، شایعه‌ای مطرح شد مبنی بر اینکه برانکو ایوانکوویچ در جلسه‌ای با مدیران باشگاه تراکتورسازی، برای هدایت این تیم مذاکره کرده است. در همین رابطه برانکو در پاسخ به این پرسش که آیا مذاکره‌ای با مدیران باشگاه تراکتورسازی انجام داده است یا خیر، گفت: تراکتورسازی را فراموش کنید. وی در ادامه این گفتگو در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات امیر قلعه‌نویی که گفته است «تراکتورسازی مهندسی شده است»، گفت: درباره اظهارات آقای قلعه نویی، وظیفه رسانه‌هاست که به آن بپردازند.

مظاهری نخستین خرید تراکتور

مذاکرات بین مسئولان باشگاه تراکتورسازی و رشید مظاهری به نتیجه رسید و این بازیکن را باید نخستین خرید فصل آینده تیم تراکتورسازی نامید. گفته می‌شود قصد که مظاهری از تراکتورسازی دریافت خواهد کرد چند میلیارد دی است! مسئولان این تیم که به خاطر اشتباه محسن فروزان در دیدار برابر سپیدرود وی را از این تیم کنار گذاشتند، به دنبال جذب دروازه‌بانی بودند که بتواند در شماره یک سر خویشان تبریزی برای فصل آینده باشد. به همین خاطر از چند هفته قبل مذاکراتی را با رشید مظاهری دروازه‌بان شماره یک فصل گذشته ذوب آهن آغاز کردند.

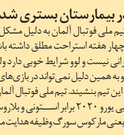

یواخیم لوو در بیمارستان بستری شد

ورزش: سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان به دلیل مشکل گردش خون در بیمارستان بستری شد و باید چهار هفته استراحت مطلق داشته باشد. فدراسیون فوتبال آلمان اعلام کرد جای نگرانی نیست و لوو شرایط خوبی دارد ولی باید چهار هفته استراحت مطلق داشته باشد و به همین دلیل نمی‌تواند در بازی‌های دوستانه پیش روی تیم ملی آلمان روی نیمکت این تیم بنشیند. تیم ملی فوتبال آلمان باید هفته آینده در دو دیدار از رقابت‌های انتخابی یورو ۲۰۲۰ برابر استونی و بلاروس قرار گیرد و به همین دلیل دستیار یواخیم لوو یعنی مارکوس سورگ وظیفه هدایت ماشتات را عهده‌دار خواهد بود.

ضد حمله

نذر ۲۰ میلیونی ربیع خواه برای پنالتی

ورزش: دروازه‌بان پرسپولیس در خصوص پنالتی تیم سپاهان گفت: واقعاً من ترسیده بودم. محسن ربیع خواه آمد گفت کشیدم و پنالتی درست است. بیرانوند اداعه داد: ربیع خواه یک نذر خیلی بزرگ هم کرد. گفت ۲۰ میلیون نذر کردم به خیریه بدهم و حالا باید بدهد!

داماش با ۱+۵ غایب در فینال جام حذفی

ورزش: داماش گیلانیان با پنج غایب قطعی در فینال جام حذفی برابر پرسپولیس قرار خواهد گرفت. داماش در این بازی به بازیکن خود را به دلیل محرومیت در اختیار ندارد؛ سعید طالبی، میثم میربسته‌بند و میلاد پورمحسن سه بازیکنی هستند که به دلیل محرومیت قادر به همراهی این تیم نخواهند بود. دو بازیکن دیگر این تیم نیز بعد از حذف از مرحله پلی آف لیگ دسته دوم، در تمرینات این تیم حاضر نشده‌اند. امید قربانی و مهرداد علیزاده دو بازیکنی هستند که در این دیدار حاضر نخواهند بود. وضعیت علی آل کثیر، نیز نامشخص است و او اکنون با مصدومیت دست و پنجه نرم می‌کند. داماش گیلانیان با ۱۴ بازیکن و دو دروازه‌بان ذخیره در این بازی حاضر خواهد شد.

بوی جدایی بیرانوند می آید

ورزش: بیرانوند در خصوص احتمال جدایی‌اش از پرسپولیس گفت: اگر قرار است جایی بروم باید به تیمی بروم که شخصیت و بزرگی پرسپولیس را داشته باشد... قرار داد ما هم ابندی وجود دارد که بتوانم با پیشنهاد خارجی جدا شوم و یک طرفه فسخ کنم. اگر قرار باشد بروم اتفاق خوب برای خودم و باشگاه خواهد بود.

نخستین فهرست ویلموتس

ورزش: از سوی مارک ویلموتس، سرمربی تیم ملی ایران ۲۵ بازیکن به اردوی ملی پوشان برای دو دیدار دوستانه مقابل سوریه و کره‌جنوبی دعوت شدند. بر این اساس، فهرست بازیکنان دعوت شده به شرح ذیل است:

دروازه‌بان‌ها: علیرضا بیرانوند / رشید مظاهری / امیرعابدزاده / پیام نیازمند

مدافعان: مرتضی پورعلی گنجی/ پژمان منتظری / روزبه چشمی/ وریا غفوری / احسان حاج صفی/ سید مجید حسینی/ محمد حسین کنعانی زادگان /امیلاد محمدی/ صادق محرمی/ رامین رضاییان

هافبک‌ها: مسعود شجاعی/ امید ابراهیمی/ سعید عزت اللهی/ احمد نورالهی

مهاجمان: وحید امیری / کریم انصاری فرد/ سردار آزمون/ علیرضا جهانبخش /الهیار صیادمنش/ مهدی طارمی/ مهدی ترابی

علی کریمی در گفت و گو با قدس با اشاره به موفقیت‌های سه فصل اخیر پرسپولیس:

هیچ دلیلی برای تغییر برانکو وجود ندارد

حمیدرضا غرب: درباره علی کریمی خبرهای آنچنانی نمی‌شنویم اما زمزمه‌هایی درباره احتمال حضور او روی نیمکت برخی تیم‌های لیگ برتری تهرانی شنیده می‌شود که کریمی ترجیح می‌دهد درباره این پیشنهادها صحبتی به میان نیاورد. کریمی این روزها مسئولیات دیگری دارد و سعی می‌کند با یک برنامه‌ریزی تازه گام به میدان مربیگری بگذارد.

هفته پیش در میان استقلالی‌ها دیده شدید. بله، مراسم سالگرد نامه‌ی ناصرخان بود و من هم وظیفه داشتم در این مراسم شرکت کنم.

اما شما پرسپولیسی هستید. درست است اما ناصرخان حجازی فرق دارد. یعنی برای ما پرسپولیسی‌ها هم چهره خاص و ویژه‌ای است. ناصرخان آن قدر به لحاظ شخصیتی انسان با ارزشی بود که پرسپولیسی‌ها هم دوستش دارند.

هیچ وقت هم شاگردش نبودی. این افتخار را نداشتم که شاگرد ناصرخان باشم. ناصرخان انسان متواضع و صادقی بود و تفاوت‌هایی داشت که همه دلیلش را می‌دانیم. بزرگی ناصرخان را آن زمانی احساس کردم که در حال خارج شدن از قطعه نام آوران بودم اما می‌دیدم که هنوز هواداران‌اش در حال رفتن سر مزار ش هستند

از پرسپولیس چه خبر؟ (می‌خندد) می‌بینید که قهرمان شدند و سومین جام متوالی را هم گرفتند و حالا هم در فینال جام حذفی هستند.

دلیل قهرمانی‌های بی‌دردی پرسپولیس چیست؟ دلایل متعددی است اما مهم‌ترین آن هواداران هستند. ببینید هواداران سه، چهار سال است که پشت تیم‌شان را خالی نکرده‌اند و بی‌دریغ حمایت می‌کنند. تیمی که این همه هوادار مشتاق دارد قطعاً آمبیشه موفق می‌شود.

دراره‌اامه همکاری برانکو با پرسپولیس در هفته‌های اخیر صحبت‌های متعددی شنیده شده است. حتی برخی از احتمال جدایی او گفته‌اند. هیچ مرسی نبوده که با یک تیم سه فصل بی‌دردی پرسپولیس وجود ندارد. برانکو باید بماند و پرسپولیس تا سال‌های سال باید از وجود این مربی استفاده کند. برانکو با این کارنامه هیچ حرفی باقی نگذاشته است.

بعد از سپیدرود دو تیم دیگری دیده نشدید در حالی که صحبت‌هایی درباره مربیگری شما در پیکان و سایپا شنیده شد. در این باره توضیحی دارید؟ توضیح من این است که فعلاً برنامه‌ای برای کار ندارم‌ان شاءالله در آینده درباره فعالیت جدیدم با شما حرف می‌زنم.

منهای فوتبال

پنجمی احسان حدادی در لیگ الماس

ورزش: دومین مرحله رقابت‌های دوومیدانی لیگ الماس به میزبانی شهر استکهلم سوئد برگزار شد در مسابقه پرتاب دیسک احسان حدادی به مصاف حریفان رقت و با رکورد ۶۵.۳۴ متر در رده پنجم قرار گرفت. حدادی در مرحله نخست لیگ الماس در دوحه قطر به مقام سومی دست یافته بود.

اعتراض رسمی ایران به صحبت‌های کوبیاک

ورزش: با دستور افشین داوری، فدراسیون والیبال ایران اعتراض رسمی خود را نسبت به صحبت‌های کوبیاک، بازیکن تیم ملی لهستان اعلام کرد و نامه رسمی فدراسیون بعد از بررسی‌های انجام گرفته، روز پنجشنبه به فدراسیون جهانی تقدیم شد. فدراسیون والیبال ایران با ارسال نامه‌ای به فدراسیون جهانی و با ارائه اسناد و مدارک نسبت به صحبت‌های بازیکن تیم ملی لهستان اعتراض کرد و خواهان برخورد فدراسیون جهانی با صحبت‌های هنجارشکنانه و توهین آمیز کوبیاک شد.

وزیر ورزش: ورزشکاران حامی فلسطین قهرمانان واقعی هستند

ورزش: مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش و جوانان ایران با حضور در راهپیمایی روز قدس، در مورد مراسم تجلیل از ورزشکاران حامی مردم مظلوم فلسطین گفت: ما مثل هر سال در ایام پایانی ماه رمضان که مصادف با روز قدس است، با ورزشکاران جوانمرد و قهرمان خود که در حمایت از مردم فلسطین در طول سال از روبه‌رو شدن با ورزشکاران رژیم اشغالگر خودداری کرده‌اند جلسه‌ای را برگزار می‌کنیم تا به آن‌ها بگوییم که قهرمان واقعی عرصه سیاست و ورزش هستند. وی در مورد تصمیم نمایندگان مجلس برای استیضاح نیز گفت: مسلماً استیضاح ابزار نظارتی مجلس و حق نمایندگان است و اگر این استیضاح قطعی شود، برای ما نیز یک فرصت طلایی به شمار می‌آید تا گزارش دقیقی را در مورد اقدامات خود و شرایط ورزش کشور به نمایندگان مجلس ارائه دهیم.

ورزش در سیما

فینال لیگ قهرمانان اروپا

تاتنهام - لیورپول

شنبه ۱۱ خرداد - ساعت: ۲۳:۳۰ از شبکه سه

UEFA CHAMPIONS LEAGUE

امشب تقابل لیورپول و تاتنهام در مادرید

انتظار برای اشک‌ها و لبخندها در فینال اروپا

امیرمحمد سلطان پور: قبل از شروع تعطیلات تابستانی، آخرین دیداری در فوتبال اروپا که باید تکلیف آن مشخص شود، امشب از ساعت ۲۳:۳۰ در مادرید با قضاوت دامیر اسکومینا از اسلوونی برگزار خواهد شد، و مانند فینال چهارشنبه شب تقابلی کاملاً انگلیسی را شاهد خواهیم بود، باید ببینیم در ورزشگاه متروپولیتانو کدامیک از دو تیم تاتنهام و لیورپول تعطیلات خود را با ارزشمندترین جام آغاز کرده و کدام یک تمام تابستان را در غم خواهد گذراند؟

تاتنهام مدت‌ها قبل در یک فینال اروپایی حاضر بوده و در سال ۱۹۸۴ در فینال جام یوفا به میدان رفته است. آن‌ها حتی در نیمه نهایی این مسابقات نیز دیده نشده‌اند اما این فصل به تمام این آمارهای ضعیف خاتمه دادند. شاگردان پوچتینو در لیگ برتر این فصل چهارم شدند و هر دو دیدار رفت و برگشت را به لیورپول با نتیجه ۲-۱ واگذار کردند.

کامبک فوق‌العاده: نسخه تاتنهام

سفید پوشان لندنی تاریخ سازی های خاص خود را در دیدارهای این فصل داشتند. آن‌ها هم در آستانه حذف از مسابقات در همان دور گروهی بودند اما در آخرین دقایق جواز صعود را کسب کرده و در نیمه نهایی با وجود شکست ۱-۰ در زمین خود مقابل آژاکس و عقب افتادن با نتیجه ۲-۰ در بازی برگشت موفق شدند در یک کامبک فوق‌العاده و با هت تریک لوکاس مورا ۳-۲ بازی را برده و به فینال راه یافتند.

بدترین اتفاق در صورت شکست در فینال برای تاتنهام

همگان انتظار بیشتری از لیورپول برای قهرمانی دارند، اما با شکست مدیران رفته‌رفته وضع گوید با وجود بسته بودن دستش تیمش را به مراحل بودجه لازم برانگیزد. اگر آلدروایلد و وارنکس نیز لندن پوچتینو استعفا خواهد داد.

چرا تاتنهام پیروز می‌شود

پوچتینو محافظه کار بودن در چنین شرایط و نتیجه گرا بودن را بسیار خوب بلد است؛ و ما بسیار فینال هایی را در تاریخ دیده ایم که تیم ها با دفاع خوب و منظم و استفاده از ضد حملات هماهنگ که اسپرز استاد آن است موفق به کسب جام قهرمانی شده اند. در بازی امشب مسلما فشار بیشتری بر لیورپول برای قهرمانی است و پوچتینو نیز استاد استفاده از چنین موقعیت هایی برای انگیزه دادن به بازیکنان به ظاهر کم شانس تر خود است.

ستاره تاتنهام

اگر کین، افراموش کنیم. کر یستین ایریکسن دقیقاً از همان نوع بازیکنانی است که مال فدارانِ فوتبال دوست دارند. او از لحاظ سرعتی و بدنی آنچنان در سطح بالایی قرار ندارد اما بسیار باهوش بوده و استاد باز کردن قفل دفاع حریف با پاس های هوشمندانه در عمق است. ضربات ایستگاهی و شوت‌های از راه دور نیز دیگر تخصص این هافبک دانمارکی محسوب می‌شود.

احتمالی، پوچتینو نزد بالایی فرستاده و باید را ترک کنند

بدترین اتفاق در صورت شکست در فینال برای لیورپول

اگر به خاطر پیروزی در فینال لیگ قهرمانان اروپا مدتی بعد از دادن قهرمانی لیگ مسلما ضربه سختی از لحاظ روانی برای لیورپول خواهد بود، اگر امشب لیورپول بیازد زمزمه‌هایی آغاز می‌شود که کلوپ با همه کیفیت بالای فنی و شور و هیجانی که به تیم‌هایش می دهد واقعا مشکلاتی در آماده‌سازی تیمش برای مقاطع حساس فصل دارد.

چرا لیورپول پیروز می‌شود

قرمزهای آنفیلد با پایین ترکیب خود از مهره های بیشتر تراز اولی بهره مند هستند. نباید فراموش کنیم که دوستاره کلیدی تاتنهام یعنی هری کین و هری ویتکس تازه از مصدومیت باز گشته و ممکن است در فرم ایده آل قرار نداشته باشند. لیورپول همچنین تخصص بسیار بالایی در ضربات ایستگاهی دارد که در چنین دیدارهایی معمولا تعیین کننده هستند.

ستاره لیورپول

فصل گذشته محمد صلاح پس از پیوستن به لیورپول از تیمرم در این بندر توفان به پا کرد و ۴۴ گل نیز به ثمر رساند. با اینکه با ۲۶ گل در این فصل آمارهایش به شکل چشمگیری افت کرده اما همچنان او اصلی ترین تهدید برای حریفان در زمینه گلزنی محسوب می شود.

لیورپول در حالی قدم به بازی امشب می گذارد که آماری بسیار بهتر نسبت به رقیبش در تاریخ رویاها دارد. آن ها پنج بار در این مسابقات به قهرمانی رسیدند که تنها رئال مادرید و آث میلان را از این حیث بالای سر خود می بینند. قرمزهادر لیگ برتر انگلیس نیز تنها با یک امتیاز اختلاف نسبت به منچستر سیتی قهرمانی را از دست دادند.

کامبک فوق‌العاده: نسخه لیورپول

اگر به خاطر پیروزی در فینال لیگ قهرمانان اروپا نبود، شاگردان کلوپ حتی به دور حذفی مسابقات این فصل صعود نمی کردند اما آن ها باید این کار را انجام می دادند تا در نیمه نهایی با کسب پیروزی ۴-۰ مقابل بارسلونا در بازی برگشت و جبران شکست ۳-۰ در بازی رفت یکی از بزرگ ترین کامبک های تاریخ را رقم بزنند.

بدترین اتفاق در صورت شکست در فینال برای لیورپول

دو شکست پیاپی در فینال لیگ قهرمانان اروپا می تواند به شدت بر روحیه تیم ضربه سختی از لحاظ روانی برای لیورپول خواهد بود. اگر امشب لیورپول ببازد زمزمه هایی آغاز می شود که کلوپ با همه کیفیت بالای فنی و شور و هیجانی که به تیم‌هایش می دهد واقعا مشکلاتی در آماده‌سازی تیمش برای مقاطع حساس فصل دارد.

چرا لیورپول پیروز می‌شود

قرمزهای آنفیلد با پایین ترکیب خود از مهره های بیشتر تراز اولی بهره مند هستند. نباید فراموش کنیم که دوستاره کلیدی تاتنهام یعنی هری کین و هری ویتکس تازه از مصدومیت باز گشته و ممکن است در فرم ایده آل قرار نداشته باشند. لیورپول همچنین تخصص بسیار بالایی در ضربات ایستگاهی دارد که در چنین دیدارهایی معمولا تعیین کننده هستند.

ستاره لیورپول

فصل گذشته محمد صلاح پس از پیوستن به لیورپول از تیمرم در این بندر توفان به پا کرد و ۴۴ گل نیز به ثمر رساند. با اینکه با ۲۶ گل در این فصل آمارهایش به شکل چشمگیری افت کرده اما همچنان او اصلی ترین تهدید برای حریفان در زمینه گلزنی محسوب می شود.

لاجوردی‌ها، نخستین قربانی شاگردان کولاکوویچ در لیگ ملت‌ها

چین به دیوار بلند ایران رسید!

سینا حسینی: تیم ملی والیبال با پیروزی ۳ بر یک مقابل ایتالیا، امروز در دومین دیدار خود به دیدار چین، میزبان هفته اول لیگ ملت‌ها می‌رود.

دیروز و در شروع این بازی‌ها به همان میزان که لاجوردی پوشان ایتالیا دچار تغییرات شده بودند تیم ایران با ترکیب همیشگی خود به میدان رفت تا هماهنگی بیشتر میان بازیکنان ایران دیده شود. کولاکوویچ، سرمربی تیم ملی والیبال ایران در بازی نخست از همان ترکیب آشنای همیشگی شامل سعید معروف، امیر غفور، میلاد عبادی‌پور، جواد معنوی‌نژاد، محمد موسوی، علی شفیعی و محمدرضا حضرت‌پور (لیبرو) استفاده کرد.

ایرانی‌ها که به دلایل مشکلات متعدد نتوانستند پیش از آغاز این تورنمنت آردوی تمارکاتی داشته باشند، در ست اول بازی را به حریف اروپایی خود واگذار کردند اما در ادامه برتری خود را به تیم جوان ایتالیا دیکته کردند تا نخستین پیروزی خود را در چین جشن بگیرند.

کولاکوویچ: دیدار تمارکاتی سختی بود

ایگور کولاکوویچ، با اظهار خشنودی از پیروزی برابر ایتالیا گفت: بدون هیچ بازی تمارکاتی رویاروبی با ایتالیا در بازی اول برایمان سخت بود. ما در ست اول و دوم اشتباهات زیادی داشتیم و چون هیچ مسابقه تمارکاتی قبل از این دیدار برگزار نکردیم، شروع بازی و بازی با ایتالیا برای ما سخت بود. بعد از دو ست توانستیم اعتماد به نفس پیدا کنیم و ببریم.

وی افزود: امروز با تیمی بازی داریم که در خانه بازی می کند و قطعاً از شرایط میزبانی بهره می‌برد. امروز هم دوباره به حمایت تماشاگران ایرانی نیاز داریم و امیدوارم بتوانیم بازی خوبی انجام دهیم.

نلی و غفور، امتیازآورترین بازیکنان

در هفته نخست لیگ ملت‌های والیبال، امیر غفور با کسب ۲۰ امتیاز، امتیازآورترین بازیکن ایران در مصاف با ایتالیا شد. ملی پوشان ایران در حالی توانستند ایتالیا را شکست دهند که طبق آمار بازی ۴۹ اسپک، ۶ دفاع، ۷ سرویس، ۳۳ امتیاز با اشتباهات حریف، ۱۵ توپ گیری، ۲۸ دریافت و ۳۷ درصد دقت پاس را از خود بر جای گذاشتند.

امیر غفور با حضور در چهار ست این دیدار و کسب ۱۹ امتیاز ایشار و یک دفاع روی تور، امتیاز آورترین بازیکن ایران شد. همچنین میلاد عبادی‌پور، بورنا فیاضی و علی شفیعی نیز هر کدام ۹ امتیاز را برای تیم ملی ایران کسب کردند.

گابریل نلی از تیم ملی ایتالیا نیز با ۲۰ امتیاز، امتیازآورترین بازیکن ایتالیا شد.

معروف: نبرد با چین راحت نیست

سعید معروف کاپیتان تیم ملی والیبال ایران در نشست خبری بعد از پیروزی مقابل ایتالیا اظهار کرد: بازی خوبی بود و هر دو تیم ایتالیا و ایران می توانستند بهتر بازی کنند. با توجه به اینکه بازی تمارکاتی نداشتیم و معمولاً تیم ما در شروع مسابقات خوب نیست.

کاپیتان تیم ایران درباره بازی بعدی با چین گفت: چین از امتیاز میزبانی بر خوردار است و رقیب ایران در کسب سهمیه المپیک نیز به شمار می رود. بازی با این تیم آسان نیست، اما فکر می کنم امروز برد اول مقابل ایتالیا می تواند در بازی های بعدی از نظر روحی کمک کند تا مقابل سایر تیم‌ها بهتر بازی کنیم.

برنامه دو بازی دیگر ایران

بازی دوم: ایران - چین، شنبه ۱۱ خرداد ساعت ۱۶:۳۰

بازی سوم: ایران - آلمان، یکشنبه ۱۲ خرداد ساعت ۱۲:۳۰

اهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان نیادگان شماره۲

جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان نیادگان شماره۲ راس ساعت ۱۱ ۸/۰۱/روز شنبه مورخ۹۸/۰۳/۲۵ در محل شرکت واقع در نبش فرامرز عباسی۵پلاک۱۲برگزار میشود از کلیه اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شرکت و تعیین تکلیف نحوه رسالت. اعضای محترمی که امکان حضور ان ها در جلسه مذکور مقدور نمی باشد می توانند حق رای خود را به موجب وکالت نامه کتبی به فردی دیگر واگذار نماید در اینصورت تعداد رای وکالتی هر عضو حداکثر سه رای و هر فرد غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. اعضای متقاضی نمایندگی به همراه مدرک مورد نظر خود باید از ساعت ۱۰بعداز ظهر تا ۱۶ روز ۹ شنبه دوهفته و چهارشنبه سه مدت یک هفته از تاریخ انتشار اگهی به محل شرکت واقع در فرامرز عباسی۵پ پلاک۲ مراجعه تا پس از تایید وکالت نامه های مذبور توسط هاگم مجاز ورقه ورود به مجمع را دریافت نمایند مادر صورت عدم ورود. دستور جلسه:۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس۲- تصویب صورت های مالی۹۷و۹۸- تصویب بودجه پیشنهادی۹۸ مدیره۳- انتخابات هیئت مدیره اصلی و علی البدل و انتخابات بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۹۸

هیئت مدیره شرکت تعاونی

برگ سبز خودروی پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۸۷ رنگ نقره ای متالیک به شماره انتظامی ۴۶۷۵۲ ایران ۱۲ شماره موتور ۲۴۳۳۳۳۹ و شماره شاسی S1482287254386 به مالکیت سید حسین موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب داوود دناش پژوه فرزند محمدرضا صادره از فردوس در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دانشگاهی مشهد به شماره ۷/۳۳۷۷۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: مشهد بلوار امامت، امامیه۴۶ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایید.

اهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان نیادگان شماره۲ راس ساعت ۱۱ ۸/۰۱/روز شنبه مورخ۹۸/۰۳/۲۵ در محل شرکت واقع در نبش فرامرز عباسی۵پلاک۱۲برگزار میشود از کلیه اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شرکت و تعیین تکلیف نحوه رسالت. اعضای محترمی که امکان حضور ان ها در جلسه مذکور مقدور نمی باشد می توانند حق رای خود را به موجب وکالت نامه کتبی به فردی دیگر واگذار نماید در اینصورت تعداد رای وکالتی هر عضو حداکثر سه رای و هر فرد غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. اعضای متقاضی نمایندگی به همراه مدرک مورد نظر خود باید از ساعت ۱۰بعداز ظهر تا ۱۶ روز ۹ شنبه دوهفته و چهارشنبه سه مدت یک هفته از تاریخ انتشار اگهی به محل شرکت واقع در فرامرز عباسی۵پ پلاک۲ مراجعه تا پس از تایید وکالت نامه های مذبور توسط هاگم مجاز ورقه ورود به مجمع را دریافت نمایند مادر صورت عدم ورود. دستور جلسه:۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس۲- تصویب صورت های مالی۹۷و۹۸- تصویب بودجه پیشنهادی۹۸ مدیره۳- انتخابات هیئت مدیره اصلی و علی البدل و انتخابات بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۹۸

هیئت مدیره شرکت تعاونی

اهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن شهاب خودرو(سهامی عام) که در ساعت۱۵:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ واقع در مشهد چهارراه شهدا، سازمان مرکزی، دفتر قائم مقام مجتمع آستان قدس رضوی تشکیل می گردد. حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- تصویب صورتهای مالی سال منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲- تعیین بازرس قانونی

۳- تعیین روزنامه رسمی

۴- سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی

هیئت مدیره شرکت شهاب خودرو (سهامی عام)

برگ سبز خودروی پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید به شماره انتظامی ۷۱۸۵۷۶ ایران ۳۶ شماره موتور 163B0065009 و شماره شاسی NAAP13FE0E486688 به مالکیت علیرضا حق پرست صداقت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۸۷ رنگ نقره ای متالیک به شماره انتظامی ۴۶۷۵۲ ایران ۱۲ شماره موتور 2433339 و شماره شاسی S1482287254386 به مالکیت سید حسین موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید به شماره انتظامی ۷۱۸۵۷۶ ایران ۳۶ شماره موتور 163B0065009 و شماره شاسی NAAP13FE0E486688 به مالکیت علیرضا حق پرست صداقت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی دعوت مجامع عمومی عادی سالیانه شرکت شهاب خودرو (سهامی عام) به شماره ثبت ۸۴۲۷۷ و شماره ملی ۱۰۱۰۰۳۷۲۵۵۸ بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت و نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت شهاب خودرو(سهامی عام) که در ساعت۱۵:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ واقع در مشهد چهارراه شهدا، سازمان مرکزی، دفتر قائم مقام مجتمع آستان قدس رضوی تشکیل می گردد. حضور بهم رسانند.

دستور جسله:

۱- تصویب صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲- تعیین بازرس قانونی

۳- تعیین روزنامه رسمی

۴- سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی

هیئت مدیره شرکت شهاب خودرو (سهامی عام)

برگ سبز خودروی پژو ۴۰۵ GLX مدل ۱۳۸۴ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۲۹۶۹۷ دانشه و اجرایه صادر از ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی کرج که لل ع سعیدی فرد نسبت اله علیه سیدرضا حاجی پاسخ و سکینه اسلامی مشهد سری فرزند شاخوح علیه محکوم کلیه به پرداخت ۲۴۹/۰۰۰/۰۰۰ و مبلغ ۲۷/۶۴۲/۲۷۶ ریال سهم عدولوتلی با توجه به اینکه اجرائیه به محکوم علیه شماره ۲۰۴۶۹۰ صادره و درمهلت مقرر نسبت به اجرای حکم اقدام ننموده است با به درخواست محکوم له و به منظور استیفای محکوم به وهزینه های اجرای احوال محلی به محکوم علیه به شرح ذیل توقیف گردیده است لذا این اجرا توقیف وتوسط کارشناس رسمی دادگستری کرج بشرح ذیل توصیف و ارزیابی شده و طی گردید که درروز چهارشنبه مورخ ۹۸/۲/۲۹ ازساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام منبعه دادگستری کرج ازطریق مزایده بفروش برسد مزایده از قیمت ۲۴۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق نظریه کارشناس شروع و به هر شخص خریدار و یا خریدار و یا خانم به بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد. در صد وجه مزایده فی المجلس بصورت نقد و یا چک بانکی تضمینی از خریدار اخذ و الباقی ظرف یک ماه از روی و پول و پس از انجام مراحل قانونی صورت حکم تملیک صورت مزایده به نام خریدارمنتقل شده. در صورتی که خریدار مشخص نگردد مال خریدار وجه مزایده را پرداخت نماید سپرده وی پس از گسر هزینه های مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد. لکه هزینه های نقل و انتقال بعهده خریدار می باشد که از محل فروش پرداخت خواهد شد. طرفین می توانند ظرف مدت یک هفته از تاریخ مزایده نسبت به نحوه انجام مزایده اعتراض نمایند که فرایندوت از رسیدگی به اعتراض از سوی دادگاه صورت مزایده به نام خریدار منتقل خواهد شد. ضمنا مال مورد مزایده می تواند قبل از مزایده باعلائم از مال مورد مزایده بازدید نماید. مال مورد مزایده و بهای آن طبق نظر کارشناسی بدین شرح است.

ردیف شماره پلاک نوع خودرو مدل رنگ مالک وضع ظاهر قیمت کارشناسی

۱ ملانو مدل R۱۳ ۱۸۰ سفید مدل ۲۹۹/۰۰۰/۰۰۰ کارشناس جمع اموال توقیفی در اقدامت تحویل مال می باشد که پس ازاستقرار از بازار، با توجه به متوسط قیمت عمده فروشی حمل حاضر بازار هرکدام از مالک تحویل داده شود.

۲ ملانو مدل ۵۱۴ ۱۰۰ سفید مدل ۲۴۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل بیست و چهار میلیون و نهصد هزار تومان برآورد تعیین می گردد. ۹۸-۷۲۴

دادور اجرای احکام مدنی دادگاه حقوقی فرخ زاده

آگهی فقدان سند مالکیت شرکت کبان کاوه مهر پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۷۲۹۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۲۷۲۴۰

به استناد موضوعه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷.۱۲.۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- موسسه حسابرسی تراز محاسب ماندگار با شناسه ۱۰۳۵۴۷۷۳۰۴۲ به عنوان بازرس اصلی و به آقای احمد نفس نلامری با کد ملی ۰۹۴۰۴۴۹۴۹۸ به عنوان بازرس علی البدل برای سال مالی ۹۷ انتخاب شدند

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۸۳۲۶)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۷۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۷۲۵۵۸

به استناد موضوعه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸.۰۱.۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - موسسه حسابرسی مفید راهبر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۵۳۱ به عنوان بازرس قانونی شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید.

سازمان غیرتجاری کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۴۸۵۰۱۶)

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی فلامینگو مشرق ایرانیان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۹۱۴ و شناسه

خبر

جعفر توزنده جانی، نویسنده کتاب «لشکر صلح» بر اساس وقایع زندگی امام حسن علیه‌السلام:

داستان‌نویسی براساس زندگی ائمه علیهم‌السلام سخت اما شدنی است

فرهنگ و هنر- خدیجه زمانیان: جعفر توزنده جانی، نویسنده آثار کودک و نوجوان که بتازگی بر اساس وقایع زندگی امام حسن(ع) زندگینامه داستانی «لشکر صلح» را نوشته، معتقد است: داستان‌نویسی براساس زندگی بزرگان دین و ائمه(ع)، کار آسانی نیست؛ معمولاً کسانی که به سمت نوشتن این نوع داستان‌ها می‌روند، تلاش می‌کنند با استفاده از شخصیت‌های فرعی که پیرامون معصوم(ع) قرار گرفته، داستانشان را خلق کنند و روایت داستانی‌شان را پیش ببرند، اما این مسئله ناشدنی هم نیست. این نویسنده در پاسخ به این پرسش که نویسنده تا چه حد مجاز است در خلق داستان درباره معصومین(ع)، به سمت تخیل پیش برود، می‌گوید: بستگی دارد تخیل را چگونه تعریف کنیم. همه آدم‌ها بر اساس اوهام و رؤیاهایشان خیال‌پردازی می‌کنند و کابوس دارند، اما عنصر تخیل به نویسنده این امکان را می‌دهد تا به خیالاتش سمت و سو بدهد. یعنی نویسنده در نوشتن این داستان‌ها سعی می‌کند وقایع را دراماتیزه و درام را به روایت داستانی‌اش اضافه کند تا یک روایت داستانی جذاب داشته باشد؛ این نوع استفاده از تخیل با خیال‌پردازی متفاوت است. نویسنده «النگ و ملنگ» ادامه می‌دهد: در آثار تاریخی درباره شخصیت‌های فرعی براحتی می‌توان خیال‌پردازی کرد و نویسنده بر اساس دانشی که از مطالعه تاریخ گرفته، می‌تواند دست به خلق شخصیت بزند. ایتالو کالوینو هم وقتی صحبت از تخیل می‌کند، می‌گوید: تخیل «ماشین الکترونیکی ذهن» است که نویسنده وقتی می‌خواهد اثری بنویسد ماشین خیالش دست به گزینش می‌زند؛ بعضی وقایع را حذف و بعضی را اضافه می‌کند تا روند دراماتیزه کردن داستان اتفاق افتد. اگر بخواهیم از طریق روایت داستانی خوانندگان را با شخصیتی آشنا کنیم، باید براساس منابع تاریخی چیزی به داستان اضافه یا کم کنیم، این کار تخیل صرف نیست بلکه دراماتیزه کردن داستان است. توزنده جانی، این نوع داستان‌نویسی را با بازآفرینی و بازنویسی متفاوت می‌داند. او می‌گوید: بازنویسی و بازآفرینی در حوزه افسانه‌ها و متون کلاسیک اتفاق می‌افتد و ارتباطی با زندگینامه‌ها ندارند. به گفته او در بازنویسی، نویسنده زبان یک متن قدیمی را ساده و امروزی می‌کند تا کسانی که با زبان آن دوران آشنایی ندارند، قادر به خواندن کتاب باشند؛ اما در مرحله‌ای که نویسنده به سمت بازنویسی خلاقانه می‌رود و سعی می‌کند نوشته را با توصیفات بیشتر، همراه و ساختار اثر را دگرگون کند، در حقیقت دست به بازآفرینی زده است.

عکس: سجاد احمدی مجد/سینماتیکت

امیر دژاکام از پدیده «تئاتر لاکچری» می‌گوید

اشرافی کردن تئاتر یک نوع آپارتاید است

فرهنگ و هنر/ فاطمه عامل نیک| مدتی است در تئاتر کشور با اصطلاحی به‌نام تئاتر لاکچری مواجه شده‌ایم. لاکچری بودنی که در هزینه تولید بالا و غیر متعارف چند میلیاردی، استفاده از چهره‌های سینمایی و تلویزیونی مشهور و محبوب با دستمزدهای خارج از عرف تئاتر، انجام تبلیغات‌های گسترده و قیمت بالای بلیت این نمایش‌ها معنی می‌شود. همه این ویژگی‌ها به همراه کیفیت هنری پایین این آثار اعتراض‌های گسترده منتقدان و اهالی تئاتر را در سال گذشته به دنبال داشت. باوجود این اعتراض‌ها، این موج لاکچری‌بازی همچنان در تئاتر کشور به دنبال باز کردن مسیر خود است. به این انگیزه با امیر دژاکام، بازیگر نام‌آشنا، کارگردان و مدرس تئاتر به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

◆ به نظر شما تئاترهای لاکچری به دلیل اینکه یک نوع هنر اشرافی را ترویج می‌کنند، می‌توانند سبب دوری تئاتر از مردم شوند؟

فی نفسه در یک شرایط متعادلی که همه گونه‌های نمایشی دارند فعالیت می‌کنند و امکان تجلی و حضور و وجود دارند، خیر! معنی حرف من این است که اگر تئاتر دانشجویی ما به تبلور رسیده باشد، اگر تئاتر مردمی به تبلور رسیده باشد، اگر تئاتر سنتی و تجربی را مشاهده کنید که زنده است و نفس می‌کشد، اگر تئاتر ملی را ببینیم که زنده است و نفس می‌کشد، خیر چه اشکالی دارد که تئاتر لاکچری هم باشد. هیچ کجا قانونی نیامده است که لاکچری بودن گناه است، منتها وقتی که همه گونه‌های تئاتری دارند از بین می‌روند و حضور ندارند و ما در کشور تنها شاهد دو گونه نمایش هستیم، یکی گونه‌ای که سازمان‌ها و نهادها به صورت میلیاردی به آن‌ها پول می‌دهند و بیشتر حالت شعاری دارند؛ یکی هم تئاترهایی است که در گونه تئاتر مجلل جای دارند و یک سرمایه‌گذار خصوصی درواقع سرمایه شخصی‌اش را می‌گذارد. اینجا بگویم که این کار نسبت به گونه نخست شرافتش بیشتر است، چون اینجا سرمایه‌گذار پول خودش را می‌گذارد و نمایش لاکچری می‌سازد تا پول دربیاورد، اما آن اولی پول همه مردم را می‌گذارد و چیزی را تبلیغ می‌کند. از این لحاظ و با شرایط کنونی تئاتر کشور ما، در پاسخ شما باید بگویم بله! ممکن است این اتفاق بیفتد.

◆ همین الآن تصور عمومی این است که تئاتری‌ها یک گروه نخبه و بی‌غم هستند که کاری به کار مردم ندارند. اینگونه نمایش موجب تقویت این تصویر اشتباه نمی‌شود؟

گوهر تئاتر فهم مشترک است؛ تفریح نیست، اما تفریح هم مانعی ندارد. گوهر تئاتر فهم مشترک است؛ تبلیغ نیست، اما می‌تواند سرگرمی و تبلیغ هم باشد؛ در چه صورت؟ در صورتی که این تبلیغ یا سرگرمی منافع ملی ما را پوشش دهد نه منافع قشری ما را! به همین خاطر ساخت این‌گونه آثار می‌تواند موجب تقویت این تصور بشود. این تئاترها درحال حاضر برای گروه خاصی اجرا می‌شود، اما این گروه خاص از بین همین هموطنان ایرانی‌مان است و از کره مریخ نیامده‌اند. ما باید به شکل عمومی‌تری به موضوع نگاه کنیم و از قضاوت نابجا بپرهیزیم؛ می‌شود این بلیت بیست و چند هزار تومانی یا بیشتر را از پول اضافه کار کارمندیش خریده باشد یا اینکه نه از طلا فروشی! اما به هر ترتیب مخاطبان این‌گونه تئاترها کسانی هستند که پول بیشتری دارند. هدف این کارها هم سرگرمی است و از لحاظ هنری، کیفیت مطلوبی ندارند. بازیگران این تئاترها عموماً بازیگران مشهوری هستند که روی صحنه تئاتر بد بازی کرده‌اند؛ البته این نظر من است، حالا عموم مردم از دیدن این افراد بسیار ذوق زده می‌شوند و به همین خاطر به اجرای بد یا کارگردانی بد توجهی ندارند. اصلاً خاصیت این نوع تئاتر که درهمه دنیا هم وجود دارد همین است که چشم پرکن باشد. همه چیز در آن پرزرق و برق است؛ لباس‌های پر زرق و برق، دکورهای مجلل و گریم‌های سنگین جزو مشترکات این نوع تئاتر در همه دنیاست که آن را به عنوان تئاتر مجلل یا نوع اول می‌شناسند و از ابتدا هم برای طبقه مرفه اجرا می‌شده‌است.

◆ عده‌ای در دفاع از این آثار می‌گویند تئاتر مربوط به قشر فرهیخته است و طبقه متوسط مخاطب این آثار نیستند؛ به نظر شما این دفاعیه قابل قبول است؟

برش

این نوع تئاتر یعنی تئاتر لاکچری جرم نیست، موضوع این است که نبودن تئاتر مردمی جرم است؛ نبودن تئاتر ملی جرم است

نخست اینکه در حال حاضر چیزی که اجرا می‌شود، فرهیخته که چه عرض کنم، هیچ‌گونه اندیشه نویی در آن دیده نمی‌شود. نکته دوم، اینکه بگوییم تئاتر مختص فرهیختگان است در ظاهر یک جمله قشنگ به نظر می‌رسد، اما در باطن این جمله یک جور آپارتاید است و نژادپرستی و نظام طبقاتی را مطرح می‌کند. وقتی می‌گوییم تئاتر مختص خردمندان است یعنی اینکه خرد مخصوص خردمندان است، وقتی می‌گوییم خرد مخصوص یک گروه به نام خردمندان است یعنی اینکه نوع انسان به دو دسته تقسیم می‌شود. طبقه خردمندان و بی خردان یا طبقه فرهیختگان و نافرهیختگان! این‌ها امکان جابه‌جایی هم ندارند. حالا بگوییم نژاد نخبه یا غیرنخبه و عامه یا اینکه از واژه فرهیخته استفاده کنیم فرقی نمی‌کند، در حقیقت داریم درباره یک نظام طبقاتی صحبت می‌کنیم و می‌گوییم با یک طبقه انسانی مواجه هستیم که ظاهر انسانی دارد، اما شعور انسانی ندارد و ما باید برایش تصمیم بگیریم. ما باید برویم بنشینیم در اتاق‌های فکر و برای این بدبخت بیچاره‌ها که متوجه نمی‌شوند، تصمیم بگیریم. ما دانشگاه برویم؛ ما کتاب بخوانیم؛ ما تئاتر ببینیم؛ معنی این حرف این است. اما اگر شما بگویید تئاتر برای خردمندان هم هست، این فرق می‌کند. شما جامعه را تقسیم کرده‌اید به کسانی که دانش بیشتری دارند، کسانی که دانش متوسط دارند و افرادی که دانش کمتری دارند و امکان جابه‌جایی در این طبقات هم وجود دارد. یعنی دانش و تلاش هم وجود دارد و مردم می‌توانند با تلاش، دانش خود را بیشتر کنند و به رده‌های بالاتر بروند.

◆ پس شما معتقدید که این جمله از اساس غلط است؟

بله، هم حرف غلط است و هم ادعا ادعای درستی نیست. چون آنچه تاکنون به عنوان تئاتر مجلل اجرا شده‌است، اصلاً در این ادعا جا نمی‌گیرد و با عرض معذرت باید گفت که آقا، بروید جلو بوق بزنید! و حرف از خرد نزنید که این کار عجیب و غریب است. شکوه این آثار در حوزه مادی بوده و نمی‌توانیم بگوییم یک نکته جدید یا حرف نو در آن‌ها ارائه شده‌است. به نظر من خود سازندگان این کار هم براساس سوادی که دارند ادعایی در مورد کارشان نداشته و معتقد نیستند که محصولی جز سرگرمی تولید می‌کنند. کارگردان‌هایی که در حال حاضر کار تجاری انجام می‌دهند آدم‌های با شعوری هستند، گاه فوق لیسانس دارند و درس‌خوانده این رشته هستند. باید متوجه باشیم که با هجمه و لج و لجبازی نمی‌توان نقد درست داشت. این نوع تئاتر جرم نیست، موضوع این است که نبودن تئاتر مردمی جرم است؛ نبودن تئاتر ملی جرم است.

◆ آیا این آثار بخصوص با حضور سلبریتی‌ها می‌توانند سبب ایجاد شکاف بین اهالی تئاتر شوند؟

بازیگر، بازیگر است و ورود بازیگر در گونه‌های متعدد نمایشی معمول است. به طور مثال اگر آقای رضا کیانیان به صحنه بیاید چه اشکال دارد؛ آنچنان که هستند؛ همان‌طور که آقای پسیانی حضور دارد، همان‌طور که حامد بهداد می‌آید؛ این مشکل نیست. اما الآن یک خانم بازیگر روی صحنه تئاتر است که ما کارهای موفقی از ایشان در سینما دیده‌ایم. اما در صحنه صدایش به جیغ تبدیل می‌شود. کارگردان اثر باید به او یاد بدهد؛ باید متخصص بیاید روی صدای ایشان کار کند؛ خودش باید صدایش را تربیت کند؛ این بد است. مشکل با هنرپیشه خوب نیست. اکنون افرادی هستند که تنها مقابل دوربین راه می‌روند، ورود این‌ها به تئاتر، اول به خودشان لطمه می‌زند، چون آن‌قدر بد هستند که دیگر لازم نیست یک حرفه‌ای تئاتر یا یک مدرس تشخیص بدهد بلکه یک تماشاگر آماتور، یک زن خانه‌دار هم می‌فهمد چقدر این‌ها بد هستند.

◆ برخی از موافقان این نوع آثار با اشاره به رونق گیشه تئاتر، معتقدند این‌گونه آثار موجب ورود سرمایه‌گذران به تئاتر و جذب سرمایه می‌شود؛ به نظر شما این ادعا درست است؟

ما می‌توانیم تئاتری داشته باشیم که چهره‌های مشهور هم در آن حضور داشته باشند اما در آن به مشکلات جامعه پرداخته شود. ما همان‌طور که اکنون در حوزه اقتصاد مشکل داریم، در فرهنگ هم مشکل داریم و چون در فرهنگ مشکل داریم در تعاملات اجتماعیمان هم مشکل داریم؛ در ترافیک هم مشکل داریم؛ در روابط زن و شوهر هم مشکل داریم؛ چون در فهم این مسائل کار نشده است. تئاتر هنر راهبردی است. سینما هنر راهبردی نیست. با سینما نمی‌شود کار راهبردی کرد. این تئاتر است که می‌تواند منافع ملی را پوشش دهد و توده مردم را همراه کند. نه اینکه بخواهد شعار بدهد. ورود سرمایه موجب رونق است و ایرادی هم ندارد. آنچه ایراد دارد این است که درحال حاضر عده ای فرصت کار دارند اما عده‌ای ندارند. بخواهید تجاری کار کنید، کار هست؛ نخواهید، نیست. فرصتش را به شما نمی‌دهند که به کار ملی بپردازید، آنچنان که من بیکار هستم و دیگرانی مانند من نیز همین‌طور!

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

دراجرای مادهٔ ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصات زیربه مؤدیان نامبرده ابلاغ می گردد تا در زمان و مکان تعیین شده مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاسه	نام مودی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۸۱	۷۴۴۸۰۰۰/۵۵۲	علی صبوری	۱۳۹۲	۹۷/۱۲/۲۶-۱۷۲۵۷۰	برگ تشخیص	مشاغل	۶۵/۱۹۶/۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نبش هاشمی نژاد ۱ - ۲۰/ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۸۲	۷۴۳۸۰۰۰/۵۴۴	حسن برکندیار	۱۳۹۲	۹۷/۱۱/۲۸-۱۵۵۶۰۸	برگ تشخیص	مشاغل	۶۳۲/۳۰۰/۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نبش هاشمی نژاد ۱ - ۲۰/ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۸۳	۷۴۳۸۰۰۰/۵۴۳	علی بهنام	۱۳۹۲	۹۷/۱۲/۱۵-۱۶۸۳۵۶	برگ تشخیص	مشاغل	۵۰/۵۰۲/۰۴۶	حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغ	نبش هاشمی نژاد ۱ - ۲۰/ - اداره امور مالیاتی ۱۹۰۷
۸۴	۱۹۰۰۶۲	سرای بهشت برین	پائیز و زمستان۸۹	۱۴۰۱۹۸۰۰۱۹۳۹۶۹۰۰ ۹۸/۰۲/۱۹	قطعی	ارزش افزوده	۳۳،۴۵۷،۲۲۶	ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۸۵	۱۹۰۰۶۲	سرای بهشت برین	بهار تا زمستان۹۰	۱۴۰۱۹۸۰۰۱۹۳۹۶۹۰۱ ۹۸/۰۲/۱۹	قطعی	ارزش افزوده	۱۱۳،۴۲۰،۲۲۶	ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۸۶	۱۹۰۰۶۲	سرای بهشت برین	بهار تا پائیز ۹۱	۱۴۰۱۹۸۰۰۱۹۳۹۶۹۰۲ ۹۸/۰۲/۱۹	قطعی	ارزش افزوده	۶۸،۵۰۴،۲۷۵	ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۸۷	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	تابستان۸۹	۱۰۹۰۴۲ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۱،۵۰۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۸۸	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	پائیز۸۹	۱۰۹۰۴۳ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲،۲۵۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۸۹	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	زمستان۸۹	۱۰۹۰۴۴ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲،۲۵۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۹۰	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	بهار۹۳	۱۰۹۰۴۵ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۹۱	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	تابستان۹۳	۱۰۹۰۴۶ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۹۲	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	پائیز۹۳	۱۰۹۰۴۷ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۹۳	۲۱۱۲۰۰۳۰۴۹۸	استحکام بتن پاژ	زمستان۹۳	۱۰۹۰۴۸ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱	رای هیات حل اختلاف مالیاتی	ارزش افزوده	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	ظرف ۲۰روز از تاریخ ابلاغ روزنامه	نبش قاضی طباطبایی ۷ معاونت ارزش افزوده طبقه چهارم واحد مالیاتی ۲۱۳۱-۱۹
۹۴	۱۹۷۹/۰۰۱	جواد جمشیدزاده	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۳ - ۶۴۹۲۹	تشخیص	مشاغل	۲،۶۳۹،۸۸۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۹۵	۲۰۸۲/۰۰۱	عزیزاله رحیم دادی مشهدریزه ای	۱۳۹۵	۶۵۰۲۸ ۱۳۹۷/۱۱/۱۴	تشخیص	مشاغل	۲۱،۱۱۹،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۹۶	۱۵۴۰/۰۰۱	محمد خالقی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۳ - ۶۴۹۳۶	تشخیص	مشاغل	۱،۵۰۸،۵۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۹۷	۶۰۰۰/۲۱۷	حمید جانی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۵۵۲	تشخیص	مشاغل	۸،۴۲۸،۷۴۵	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۹۸	۱۷۰۸/۰۰۱	علی اکبر محمدپور	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۴۲	تشخیص	مشاغل	۳،۶۸۰،۷۴۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۹۹	۲۰۳۸/۰۰۱	رضا جهانی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۱۲	تشخیص	مشاغل	۷،۸۴۴،۲۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۰	۴۰۱۰/۰۰۱	علی اصغر مرادیان	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۳۰ - ۶۶۹۴۰	تشخیص	مشاغل	۳۷،۸۶۳،۳۵۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۱	۳۰۱۶/۰۰۱	محسن آبدرم	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۲۸ - ۶۶۵۲۶	تشخیص	مشاغل	۳۷،۷۱۲،۵۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۲	۶۰۰۰/۲۶۵	مهدی گندمی	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۲۴ - ۶۶۱۰۸	تشخیص	مشاغل	۲۷،۱۵۳،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۳	۶۰۰۰/۲۶۲	سعید مقدم علم دشتی	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۲۴ - ۶۶۱۲۰	تشخیص	مشاغل	۱۷،۷۳۹،۹۶۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۴	۶۰۰۰/۲۲۳	یاسر وطن دوست	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۲۳ - ۶۵۹۹۱	تشخیص	مشاغل	۲۶،۹۸۹،۵۴۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۵	۳۰۲۶/۰۰۱	امیر اکرامی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۴۸	تشخیص	مشاغل	۵،۲۷۹،۷۵۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۶	۱۹۴۹/۰۰۱	زهرا سلطانی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۵۳	تشخیص	مشاغل	۵۰،۸۰۶،۲۸۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۷	۱۹۴۴/۰۰۱	محمد خوشدل	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۴۴	تشخیص	مشاغل	۲۳،۵۳۲،۶۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۸	۶۰۰۰/۲۹۹	الیاس ضمنی رودی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۶۰۲	تشخیص	مشاغل	۶،۹۳۹،۱۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۰۹	۶۰۰۰/۲۲۸	محمد محمد زاده	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۵۶۰	تشخیص	مشاغل	۴۴۰،۹۴۵،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۰	۶۰۰۰/۲۳۴	سید حسین حسینی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ----	تشخیص	مشاغل	۶۰،۳۴۰،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۱	۶۰۰۰/۲۳۶	سعید منصوری	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۵۶۴	تشخیص	مشاغل	۷،۲۴۰،۸۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۲	۴۰۱۳/۰۰۱	محمد صفرپور	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۴۹	تشخیص	مشاغل	۱۵۵،۷۲۰،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۳	۴۰۱۳/۰۰۱	محمد صفرپور	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۶۷	تشخیص	مشاغل	۵۶،۱۱۶،۴۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۴	۲۰۹۲/۰۰۱	رضا اصلان زاده	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - ۶۵۱۰۶	تشخیص	مشاغل	۲۶،۶۲۷،۵۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۵	۲۰۶۵/۰۰۱	غلام رضا اعتمادی خواه	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۳۶۹	تشخیص	مشاغل	۲۴،۱۳۶،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۶	۳۵۴۵/۰۰۳	ابراهیم مرادی	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۱ - ۶۰۷۷۲	تشخیص	مشاغل	۵،۴۱۲،۵۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۷	۳۵۴۵/۰۰۳	ابراهیم مرادی	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۱۱ - ۶۰۷۶۶	تشخیص	مشاغل	۴،۱۹۶،۶۵۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۸	۲۰۲۷/۰۰۱	حسین زحمتکش مرجانه	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۱۵	تشخیص	مشاغل	۳۸،۴۶۶،۷۵۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۱۹	۲۰۲۱/۰۰۱	فرهاد شیرمحمدی	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۰۸	تشخیص	مشاغل	۳۰،۵۴۷،۱۲۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۰	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۶۴	فرهاد شیرمحمدی	۱۳۹۳	۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - ۱/۳۵۲۲۹۵	برگ اجرایی	مشاغل	۷۰۹،۴۰۱،۹۵۹	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۱	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۶۴	فرهاد شیرمحمدی	۱۳۹۲	۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - ۱/۳۵۲۲۹۲	برگ اجرایی	مشاغل	۳۴۵،۶۲۷،۴۷۸	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۲	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۶۳	ابوالفضل شیرمحمدی	۱۳۹۴	۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - ۱/۳۵۲۳۰۳	برگ اجرایی	مشاغل	۱۰،۲۵۸،۲۳۸	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۳	۶۰۰۰/۲۲۲	مجید یتیم بان	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۵۵۷	تشخیص	مشاغل	۲۳،۵۳۲،۶۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۴	۶۰۰۰/۲۲۲	مجید یتیم بان	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - ۶۵۵۵۶	تشخیص	مشاغل	۱۶،۲۹۱،۸۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۵	۲۰۱۷/۰۰۱	جمشید یتیمیان	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۱۷	تشخیص	مشاغل	۱،۳۵۷،۶۵۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۶	۲۰۱۷/۰۰۱	جمشید یتیمیان	۱۳۹۴	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۱۸	تشخیص	مشاغل	۷۲۴،۰۸۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۷	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۴۹	علی اصغر یتیمیان	۱۳۹۳	۱۳۹۸/۰۲/۱۰ - ۱/۳۵۴۴۱۷	برگ اجرایی	مشاغل	۱۷۱،۸۳۳،۴۴۹	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۸	۲۰۲۴/۰۰۱	حسن عاشوری	۱۳۹۵	۱۳۹۷/۱۱/۱۵ - ۶۵۴۱۶	تشخیص	مشاغل	۱۵،۰۸۵،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۲۹	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۵۰	حسن عاشوری	۱۳۹۲	۱۳۹۸/۰۲/۱۰ - ۱/۳۵۴۵۳۴	برگ اجرایی	مشاغل	۱۱۳،۳۴۹،۹۴۳	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۰	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۷۵۰	حسن عاشوری	۱۳۹۴	۱۳۹۸/۰۲/۱۰ - ۱/۳۵۴۵۳۸	برگ اجرایی	مشاغل	۴۵،۲۴۸،۵۵۷	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۱	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۶۲۶	حمید اسکندری تربتی	۱۳۹۲	۱۳۹۷/۱۰/۱۸ - ۱/۲۹۳۴۳۶۰	برگ اجرایی	مشاغل	۱،۷۲۸،۴۷۵	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۲	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۶۲۵	محمد رحمت کش	۱۳۹۲	۱۳۹۸/۰۲/۰۴ - ۱/۲۹۳۴۱۱	برگ اجرایی	مشاغل	۲۲۵،۷۴۸،۰۰۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۳	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۶۲۵	محمد رحمت کش	۱۳۹۱	۱۳۹۸/۰۲/۰۴ - ۱/۲۹۳۳۹۵	برگ اجرایی	مشاغل	۲۴۷،۳۸۶،۰۹۰	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۴	۱۹۵۹۰۰۰۰۰۶۲۵	محمد رحمت کش	۱۳۹۰	۱۳۹۸/۰۲/۰۴ - ۱/۲۹۳۴۳۲	برگ اجرایی	مشاغل	۲،۹۸۱،۵۴۳،۰۳۳	سی روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی خواف
۱۳۵	۱۹۵۹۰